

اثر حقوقی اشتباه در اتلاف حقوق غیرمالی با مطالعه ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

محمد حسین خادمی آراسته^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

چکیده

قاعده اتلاف، از جمله قواعد مشهور فقهی، در همه فرقه های مسلمین است و نسبت به آن اتفاق نظر وجود دارد. یکی از مهم ترین موجبات ضمان قهری که مورد استناد قرار گرفته، همین قاعده اتلاف است. اطلاق قاعده اتلاف، بیانگر این است هر کسی مال دیگری را تلف کند ضامن باشد و اشتباه در اتلاف در ظاهر قاعده بیان نگردیده است و از سویی هم چنانچه حقوق غیرمالی افراد مورد تلف واقع گردد؛ از ظاهر قاعده، قابل برداشت نیست؛ چرا که ظاهر قاعده تأکید بر تلف حقوقی مالی دارد. اما نباید به ظاهر قاعده توجهی کرد؛ چراکه با استفاده از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ضرر زدن به هر حقی که انسان دارا می باشد، خواه مال باشد و خواه غیر آن ضمان آور است. یکی از حقوق غیرمالی انسان، جان و سلامتی می باشد که در کنار سایر حقوق قانونی از جمله اموال مورد احترام قانونگذار است. بنابراین با وجود اینکه تلف و صدمه بدنی وارد به افراد جزء حقوق مالی نیست؛ اما به موجب ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی موجب ضمان و مسئولیت آور برای متلف است.

واژگان کلیدی: اثر، اشتباه، اتلاف، حقوق غیر مالی، صدمه بدنی.

^۱ استادیار، گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

در فقه و حقوق براساس عبارت متداول « من اتلف مال الغير فهو ضامن » و به استناد ماده ۳۲۸ قانون مدنی چنین برداشت می شود که قاعده اتلاف صرفا مربوط به مال می شود و بر همین مبنا که ممکن است این سؤال مطرح می شود که آیا قاعده اتلاف علاوه بر حقوق مالی، شامل حقوق غیر مالی نیز می شود یا خیر؟ ممکن است در پاسخ گفته شود که با استناد به قاعده اتلاف و عبارت متداول، مشمول آن را بر حقوق غیرمالی را مشکل و قابل تردید باشد. نویسندگان در خصوص اینکه آیا قاعده اتلاف علاوه بر حقوق مالی شامل حقوق غیر مالی می شود یا خیر؟ برخی از نویسندگان حقوقی گفته اند استناد به قاعده اتلاف در مورد حقوق غیرمالی مشکل و قابل تردید است؛ زیرا عبارت متداول « من اتلف مال الغير فهو له ضامن » صرفا مربوط به مال می باشد و در نتیجه شامل حقوق غیر مالی نخواهد شد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۱۱۵) با دقت نظر در این نظریه، دلیل عدم شمول اتلاف در حقوق غیر مالی، اجماع و عبارت متداول قاعده اتلاف بوده و می باشد و اجماع فقها در مورد قاعده اتلاف، فاقد اطلاق آن برای تعمیم به حقوق مالی است ولی به نظر می رسد که ملاک ضمان متلفات از باب قاعده لاضرر می باشد و در نتیجه آن قائل به نظری شد که قاعده اتلاف، شامل حقوق غیرمالی نیز بشود، زیرا «ضرر به هر حقی که انسان دارا می باشد، خواه مال باشد خواه آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق قانونی، مثل منافع ناشی از عمل انسان، ضمان آور است» (داراب پور، ۱۳۹۰، ۷۹). ضمن اینکه، قانونگذار ایران در ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره یک ذیل ماده به تلف و صدمه بدنی اشاره کرده است و بدیهی است تلف و صدمه بدنی وارد بر افراد، جزء حقوق مالی نیست، بلکه از حقوق غیرمالی بوده و می باشد؛ ولی قانونگذار در صورت، ورود ضرر و زیان حسب مورد پزشک یا پرستار و حتی خود بیمار را ضامن می داند. در این مقاله ابتدا ضمن بیان مفاهیم اشیاء، اتلاف و انواع و یکی از آنها، اثر حقوقی اشتباه هریک از پزشک، پرستار و بیمار در تلف و صدمه بدنی به عنوان مصداقی از حقوق غیرمالی تبیین خواهد شد.

۱- مفهوم اصطلاحی اشتباه

در خصوص مفهوم اصطلاحی اشتباه حقوق دانان تعاریف مختلفی به شرح ذیل ارائه کرده اند: اشتباه «عبارت است از خطا در شناخت و اعتقاد بر خلاف واقع» (شهیدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۱۶۳) و یا «تصور نادرستی است که انسان از حقیقت پیدا می کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۲۸۴) و یا «اعتقاد به امری است که مطابق با حقیقت نباشد» (امامی، ۱۳۷۷، ج ۴، ۲۹) و یا «اشتباه نمایش نادرست



واقعیت در ذهن است و در شمار پدیده های روانی می آید» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۹۵) و همچنین «اشتباه تصور باطلی است که شخص از امور و اشیاء دارد» (شایگان، ۱۳۷۵، ۸۳). حالا با توجه به تعاریفی که حقوق دانان از اشتباه ارائه کرده اند، باید گفت که اشتباه تصور نادرستی است که انسان از یک موضوع یا حکم پیدا می کند و بر مبنای همین تصور نادرست، دست به اعمالی می زند که نتیجه آن اعمال نادرست، مشتبه را متعهد و ملزم قانونی به آثار ناشی از انجام آن عمل و در صورت وقوع خسارت، ملزم به جبران ضرر و زیان می نماید و چه بسا فرد در صورت علم و آگاهی در شناخت نسبت به امور، دست به اقداماتی که نتیجه آن متعهد شدن و ملزم بودن وی باشد، را نمی کرد.

۲- مفهوم اتلاف

اتلاف مصدر باب افعال از ریشه «تلف» به معنای هلاک کردن، از بین بردن و نابود کردن است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ۵۴) در فقه و حقوق گفته اند: «اتلاف عبارت است از اخراج چیزی از حیز انتفاع، به نحوی که منفعت مطلوب معمول از آن از بین برود» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ۵۴) و در حقوق مدنی اتلاف اصطلاحاً عبارت است از «تباہ کردن مال غیر به نحو عدوان، یعنی عملی که مستوجب نکوهش و بازخواست باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۰). عقیده بر این است که مستند این قاعده در کتاب، آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره می باشد که بعضی از قدمای فقه از جمله شیخ طوسی در مبسوط به آن اشاره کرده اند. (محقق داماد، ۱۳۹۴، ۱۰۹) آیه شریفه می فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ... یعنی هر کسی به شما تجاوز و تعدی کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است، تجاوز کنید» و همچنین آیه ۱۲۶ سوره مبارکه نحل «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ... اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید، شما باید به قدر آن در مقابل، انتقام کشید...» و آیه ۴۰ سوره مبارکه شوری «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلَهَا... سزای بدی، بدی همانند آن است» می باشد. فقها در نوشته های خود به قاعده اتلاف اشاره و توضیح داده اند و حتی این قاعده را از جمله قواعد مشهور فقهی دانسته اند که در موارد ضمان به آن استناد و تمسک می شود. مرحوم بجنوردی در کتاب قواعد الفقهیه گفته اند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۵) «من اتلف مال الغير بلا إذن منه فهو له ضامن» یعنی اگر کسی مال دیگری را بدون اذن مالک، تلف نماید ضامن است. در مدرک قاعده اتلاف هم عقیده دارند که در قاعده اتلاف بین همه فرقه های مسلمین اتفاق نظر وجود دارد و مخالفتی بر آن نیست و چه بسا گفته می شود از ضروریات دین است. در ادامه به نقل از شیخ



طوسی در کتاب مبسوط و ابن ادریس در کتاب سرائر به آیه شریفه^۱ «و من اعتدی...» اشاره و آیه شریفه را دلیلی بر ضمان اتلاف می دانند. ضمن اینکه به روایتی از شیخ طوسی در مبسوط از اعمش از ابی وائل از عبدالله بن مسعود و نقل از پیامبر اکرم (ص) اشاره می کنند که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه. یعنی احترام مال مسلمان مثل احترام خون اوست». پس در صورت تلف مال، حتی توسط نائم، غافل، مجنون و حتی کودک موجب ضمان است. در خصوص مسئولیت افراد محجور نیز گفته شده است؛ مقررات مربوط به مسئولیت مدنی از احکام وضعی است و هیچ فرقی بین شخص محجور با اشخاص غیر محجور وجود ندارد، بنابراین در صورت تلف مال غیر، توسط صغیر یا مجنون و بدون اینکه اذن مالک باشد، مسئول هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۳). البته اگر مالک اذن به صغیر یا مجنون در تلف مال خود داده باشد، دیگر مسئولیتی متوجه افراد محجور نمی باشد؛ چرا که مالک طبق قاعده اقدام به ضرر خویش عمل کرده است. مرحوم نجفی در جواهر الکلام گفته اند (نجفی، بی تا، ج ۳۷، ۶) وجود اذن شرعی هیچ منافاتی با حکم وضعی که همان ضمان حاصل از اتلاف است، ندارد و در ادامه گفته است: «من اتلف مال غیره فهو له ضامن». فقهای معاصر نیز عقیده دارند؛ منظور و مراد از اتلاف، هلاکت مال مسلمان بدون اذن و رضایت است؛ اعم از اینکه هلاکت از روی عمد باشد یا خطا و حقیقت مفاد قاعده اتلاف این است که هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن باشد. همانطوریکه در کلام متقدمین و متأخرین مشهور و رایج است. بنابراین هنگامی که اتلاف مال دیگری محقق شد و بدون اینکه اذن و رضای مالک و قصد احسان به صاحب مال وجود داشته باشد، شخص متلف مال مسئول تلقی و تا زمانی که قیمت یا مثل مال را به مالک آن تأدیه نماید، ضامن است. از قاعده اتلاف به قاعده «من اتلف» هم تعبیر می شود و آیات ۴۰ سوره مبارکه شوری و ۱۹۴ سوره مبارکه بقره به عنوان مدرک قاعده یاد می برند. (مصطفوی، ۱۴۱۷، ق ۲۰، ۲۰) طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص)، حرمت مال مؤمن همانند حرمت خون وی تلقی شده و... در نتیجه مال قابل احترام است و باید از تعدی و تجاوز مصون باشد و فرقی هم بین اموال خصوصی و عمومی نمی باشد. پس هر گاه شخصی اقدام به تخریب و اتلاف اموال، خواه اموال خصوصی و خواه اموال عمومی نماید، اتلاف مال غیر محقق است و باید جبران خسارت شود. (انتظاری نجف آبادی، ۱۳۹۴، ۱۲۸)

^۱ آیه ۱۹۴ سوره بقره



۳- اشتباه ناشی از فعل شخصی

در قلمرو مسئولیت مدنی، قاعده این است که برای تحقق مسئولیت، باید فعل زیانباری از شخص فاعل زبان، بروز نماید؛ هر چند گاهی ممکن است شخصی مانند عاقله بدون اینکه مرتکب فعلی شود مسئول تلقی گردد. فعل زیانباری که سبب خسارت به دیگری می گردد، ممکن است به طور ایجابی یا سلبی باشد. حال با توجه به این موضوع که گاهی ممکن است، شخصی در نتیجه اشتباه به دیگری ضرر بزند و اشتباه وی مبتنی بر فعل مثبت یا منفی باشد و با تعریفی که از مفهوم اشتباه به عمل آمد، می توان اشتباه ناشی از فعل شخص را به دو نوع تقسیم و تفکیک کرد:

۳-۱- اشتباه ایجابی

در مفهوم اصطلاحی اشتباه گفته شد، اشتباه تصور نادرستی است که انسان از یک موضوع پیدا می کند و بر مبنای همین تصور نادرست از موضوع، دست به اعمال و افعالی می زند و نتیجه آن اعمال نادرست، متعهد و ملزم شدن به آثار ناشی از آن فعل می باشد. بنابراین؛ اشتباه ایجابی یعنی تصور غلط و نادرست از شخص بر انجام یک فعل مثبت که منجر به ورود ضرر و زیان به غیر گردد. «فعل ایجابی می تواند به صورت مباشرتی یا مستقیم و بدون واسطه منتهی به خسارت شود که در ماده ۳۲۸ ق.م. طرح گردیده است. ضابطه فعل مباشرتی را می توان از ماده ۴۹۴ ق.م. اسلامی سال ۱۳۹۲ استخراج کرد که مقرر می دارد: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود» این فعل مباشرتی و مستقیم می تواند عمدی باشد مانند اینکه عمداً شیشه منزل دیگری را بشکند و یا ممکن است عمدی نباشد، اما مقصرانه باشد، مانند بازیکنی که بر اثر بی احتیاطی سبب زخمی شدن یکی از تماشاگران شود» (یزدانیان، ۱۳۹۵، ب، ج، ۴، ۵۳) و حتی ممکن است «فعل ایجابی یا مثبت به صورت غیر مباشرتی یا به صورت تسبیب و با واسطه منتهی به خسارت دیگری گردد» (یزدانیان، ۱۳۹۵، ب، ج، ۴، ۵۴) بنابراین چه در فعل ایجابی مباشرتی و چه در فعل ایجابی غیر مباشرتی، اگر فعل شخص منتهی به ضرر و زیان غیر گردد، مسئولیت در پی خواهد داشت و فرقی ندارد که شخص در نتیجه اشتباه، مرتکب فعل شده باشد یا فعل ارتکابی در نتیجه عمد، بوده باشد.

۳-۲- اشتباه سلبی

گاهی ممکن است، انسان، علیرغم تعهدی که بر عهده دارد به تصور نداشتن تعهد یا اینکه نباید، عملی را انجام دهد، از انجام فعل امتناع نماید و منجر به ورود خسارت به غیر می گردد. مع الوصف



اشتباه سلبی، عبارتست از تصور غلط و نادرست یک شخص بر ترک از انجام فعلی است که نتیجه آن ورود زیان و خسارت به دیگری است. در این نوع از اشتباه، گاهی فعل سلبی مباشرتی است و منظور از فعل سلبی مباشرتی، اتلافی است که با ترک فعل محقق می‌گردد. در حقوق ایران مواد ۵۲۲ و ۵۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فعل سلبی مباشرتی می‌باشد و گاهی هم فعل سلبی غیر مباشرتی که همان فعل منفی در تسبیب است. ماده ۵۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مصداق فعل سلبی غیر مباشرتی است. نمونه دیگری از فعل منفی غیر مباشرتی، ندادن اطلاعات کافی از سوی پزشک به بیمار است در نتیجه اگر پزشک در انجام تکلیف دادن به بیمار کوتاهی نماید و سبب اضرار گردد، به جهت فعل منفی غیر مباشرتی، ضامن ضرر و زیان وارده به بیمار است (بزدانیان، ۱۳۹۵، ب، ج ۴، ۶-۵۷). بنابراین حتی اگر پزشک، تصور نماید که ضرورتی به دادن اطلاعات به بیمار نبوده و به اصطلاح اشتباه نماید، این اشتباه وی مانع از مسئول تلقی شدن و ضامن بودن نمی‌باشد.

۴- انواع اتلاف

فقها و حقوق دانان در تشریح قاعده اتلاف، گفته‌اند اتلاف ممکن است به دو نحو مباشری و تسبیبی باشد و حتی ممکن است اتلاف به صورت حقیقی یا حکمی باشد که در ذیل انواع اتلاف تشریح می‌گردد.

۴-۱- اتلاف مباشری

به اتلاف مباشری گاهی اتلاف مستقیم یا اتلاف بالمباشره هم گفته‌اند و در تعریف اتلاف مستقیم یا بالمباشره گفته شده: «عبارت است از اینکه کسی شخصاً و بدون وساطت و دخالت دیگری مالی را تلف کند مثل اینکه خوردنی و آشامیدنی دیگری را مصرف کند یا لباس او را بسوزاند» (محمدی، ۱۳۷۹، ۳۱). یا اتلاف مستقیم عبارتست از «الحاق بدون واسطه زیان به محل تلف» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ۵۴) با توجه به اینکه گاهی ممکن است اتلاف مستقیم نبوده و به اصطلاح غیرمستقیم باشد، بهتر است گفته شود که هر گاه واژه اتلاف به طور مطلق بکار رفته باشد منظور همان اتلاف مباشری یا اتلاف مستقیم است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۰۲) در عناوین حسینی مراغه ای اتلاف مستقیم بدین صورت تعریف شده است «و المراد بالمباشره: ایجاد علّة التلف، كالقتل و الأكل و الإحراق . یعنی در مراد از اتلاف بالمباشره یا مستقیم، ایجاد علت تلف می‌باشد. مثل قتل، خوردن و سوزاندن» (حسینی مراغه ای، ۱۴۱۸، ج ۲، ۴۳۵) و به طور کلی «هر گاه کسی به طور مستقیم به عمد یا غیرعمد با تقصیر یا بدون تقصیر مال دیگری را تلف کند



بطوریکه بتوان حقیقتاً تلف مال را به او نسبت داد. این عمل اتلاف بالمباشره نامیده می شود» (لطفی، ۱۳۷۹، ۶۴). بنابراین هر گاه شخصی به طور مستقیم و بدون واسطه موجب تلف مال دیگری گردد، اتلاف مستقیم یا مباشری محقق شده است و در این اتلاف فرقی نمی کند که مال عین باشد یا منفعت و همچنین فرقی ندارد تا عین مال تلف شده مثلی باشد یا قیمی باشد و یا تلف منافع دیگری از منافع مستوفات و غیرمستوفات باشد. در منافع مستوفات و غیرمستوفات گفته می شود اگر تلف کننده از منافع مال دیگری استفاده و بهره برداری نماید منافع مستوفات نامیده می شود مثل اینکه از منافع ماشین غیر استفاده کرده باشد و با آن به مسافرت رفته باشد. اما اگر تلف کننده از منافع مال استفاده و بهره برداری ننماید ولی مانع استفاده مالک از مال خویش گردد و در نتیجه منافع مال زایل گردد و حتی بدون اینکه خود شخص تالف نیز از منافع استفاده نماید، منافع غیرمستوفات خواهد بود. مانند غاصبی که اتومبیل دیگری را غصب نماید و اتومبیل را در پارکینگ منزل خود، نگهداری کند و بدون اینکه از اتومبیل استفاده نماید. در این فرض غاصب هر چند که از منافع اتومبیل غصب شده، استفاده نکرده است ولی منافع مال معطل شده و خسارتی به صاحب اتومبیل وارد شده است و باید جبران شود. ممکن است منافع غیرمستوفات از خدمات و منافع و اعمال انسان باشد. زیرا «اتلاف هم در مال و هم در عمل و کار انسان صادق است. با این توصیف، ضرر به هر حقی که انسان دارا می باشد، خواه مال باشد، خواه آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق قانونی، مثل منافع ناشی از عمل انسان، ضمان آور است. ضرر به عمل انسان یکی از مصادیق بارز خسارت است. پس هر کسی که دارای شغل و کاری باشد، مثل دبیری، نجاری، بنایی، خیاطی، مدیریت کارخانه که هر روز بدان مشغول است، صاحب حق است و ضایع کننده این حق، تلف کننده محسوب و ضامن منافع، هر چند غیرمستوفات می باشد» (داراب پور، ۱۳۹۰، ۷۹) در فقه هم تأکید شده است که اتلاف، فقط مختص به اعیان نیست بلکه شامل منافع هم می شود. پس تفویت منافع یا استیفاء منافع بدن انسان یا عین مملوکه اتلاف تلقی و داخل در قاعده اتلاف است (حسینی مراغه ای، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ۴۳۸). ماده ۳۲۸ قانون مدنی ایران نیز به تبعیت از فقه، تلف مال اعم از اینکه مثلی، قیمی، عین یا منفعت باشد خواه از روی عمد و آگاهی و خواه از روی غیرعمد و ناآگاهی و اشتباه باشد را موجب ضمان و مسئولیت دانسته است. به طور کلی «ممکن است اتلاف در نظر عرف صور مختلفی داشته باشد. گاهی عین مال از بین می رود مانند اینکه کسی خانه دیگری را خراب کند و گاهی تلف کننده، ظاهراً مال را تلف نمی کند؛ لیکن مانع تصرف عقلی یا شرعی مالک می گردد. به طور مثال آب انگور شخص را به شراب تبدیل می کند» (ره پیک، ۱۳۸۸، ۱۶۰). گاهی ممکن است عمل مستقیم انسان، منجر به تلف مال نگردد بلکه این عمل مستقیم، منجر به نقص یا عیب مال گردد در این صورت گفته می شود «اتلاف وصف صحت و



کمال نیز موجب ضمان است مثلاً اسب کسی را لنگ یا کور نماید، هر چند عین اسب باقی است ولی اتلاف صحت و کمال شده و باید تدارک آن را بنماید، به این طریق که اسب صحیح و سالم تقدیم می گردد و با این نقصان تقویم می شود، متلف ضامن ما به التفاوت است» (حائری شاه باغ، ۱۳۷۶، ج ۱، ۳۱۵). حال اگر اتلاف مستقیم مال یا منفعت مال دیگری صورت گیرد مسئولیت مدنی، محقق است و برای مسئول تلقی شدن در اتلاف، خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم تفاوتی بین شخص عاقل و مجنون، صغیر و کبیر، عامد و غیرعامد، آگاه و ناآگاه به موضوع یا حکم وجود ندارد و تأکید ماده ۳۲۸ قانون مدنی هم بر این موضوع است و محجور بودن یا ناآگاه بودن متلف هم تأثیری در مسئولیت وی ندارد، چرا که گفته می شود مسئولیت مدنی و ضمان، از احکام وضعی است.

۴-۲- اتلاف تسبیبی

به اتلاف تسبیبی، اتلاف غیرمستقیم هم گفته می شود. اتلاف به تسبیب یا غیرمستقیم عبارت است از «اینکه کسی کاری کند که منجر به تلف مال یا جان یا عضو بدن دیگری شود؛ به طوری که اگر او این کار را نمی کرد، تلف به وجود نمی آمد مثلاً اگر کسی در غیر ملک خود چاهی بکند و حیوان دیگری در آن بیفتد» (محمدی، ۱۳۷۹، ۳۱) یا «عبارت از ارتکاب کاری در محلی است که منجر به تلف چیزی دیگر شود» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ۵۴) و یا اینکه گفته شود اتلاف بالتسبیب عبارت است از هر عمل و فعلی که سبب وقوع تلف باشد و علت تامه برای تلف یا جزئی از علت تامه تلف نباشد به طوری که اگر آن فعل انجام نمی شد تلف هم واقع نمی شد. (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ۳۱) علیرغم اینکه «در فقه، اتلاف را به اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب تقسیم کرده اند و هر دو قسم را زیر یک عنوان بررسی می کنند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۴۸) پاره ای از نویسندگان عقیده دارند با توجه به عرفی بودن صدق اتلاف تفکیک اتلاف به مباشرت و تسبیب و بررسی جداگانه هر کدام از آنها، منطقی به نظر نمی رسد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۱۲۰). «دلیل مورد بحث قرار گرفتن مباشرت و تسبیب آن بود که گاه تشخیص آن دو به دشواری صورت می گیرد و سلسله علل در برخی موارد آن چنان سریع و پنهانی انجام می گیرد که بر حسب ظاهر مباشرت دیده می شود و گاه شرایط و موانع به گونه ای اتفاق می افتد به گمان تسبیب می آید. بعلاوه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم علل و عوامل و ارتباط پیچیده حوادث به صورت تسلسل و احیاناً به ظاهر دورانی، به گونه ای است که کار تشخیص مباشرت از تسبیب را مشکل می سازد. به ویژه در مواردی رابطه علت و معلولی بین فعل و اتلاف توسط عوامل دیگر قطع می گردد و در ظاهر اثر آن آشکار نمی شود». (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ۱۲۰) به جهت این پیچیدگی علل و عوامل است که در



تمیز مباشر از کسانی که سبب تلف را فراهم نموده اند، بهترین معیار را داوری عرف می دانند و در توجیه داوری عرف گفته می شود به دلیل اینکه حوادث جهان، گوناگون و پیچیده می باشد در نتیجه نمی توان همه حوادث را با یک قاعده بررسی کرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۴۹) بنابراین اگر کسی زمینه تلف مال، منافع، جان یا هر حق دیگری را ایجاد نماید که نتیجه آن زمینه و سبب تلف باشد عامل، ضامن تلقی می گردد و فرقی هم نمی کند تا اتلاف به نحو مستقیم (مباشری) یا غیرمستقیم (به تسبیب) بوده باشد. و عامد و غیرعامد بودن و یا آگاه و ناآگاه بودن تأثیری در مسئولیت یا عدم مسئولیت ندارد. منتهی در جایی که اتلاف غیرمستقیم و به تسبیب می باشد تقصیر شرط می باشد. در این صورت، زیان دیده، مکلف است تا ثابت نماید، که مسبب مرتکب تعدی یا تفریط شده و احتیاط لازم را بعمل نیاورده است.

۵- اثر اشتباه در اتلاف حقوق غیرمالی با مطالعه ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن مقرر می دارد: «پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق ماده (۴۹۵) این قانون عمل نماید. تبصره یک: در موارد مزبور، هر گاه مریض یا پرستار بداند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می شود و با وجود این به دستور عمل کند پزشک ضامن نیست؛ بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است». مطابق ماده مزبور تلف یا صدمه بدنی یکی از مصادیق اتلاف حقوق غیرمالی و موجب ضمان می باشد. چرا که صدمات وارده بر بدن هر چند، با پرداخت مقداری پول قابل جبران می باشد ولی آنچه مورد تلف یا صدمه قرار گرفته، مال نیست. به بیان دیگر خسارت وارده بر بدن بیمار یا هر شخص دیگری بطور مستقیم به مال بیمار وارد نمی شود و در حقیقت این قبیل خسارات چهره مالی و اقتصادی ندارند و ماهیتی غیرمالی داشته و مربوط به حقوق انسانی است. مع الوصف، قاعده اتلاف در حقوق غیرمالی و علی الخصوص با توجه به ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی در مورد بدن انسان نیز جاری است که اثر اشتباه هر یک از پزشک، پرستار و بیمار در اتلاف و صدمه بدنی بیمار به تفکیک تشریح می گردد.

۵-۱- اثر اشتباه پزشک در اتلاف و صدمه بدنی

گفته شده پزشک به شخصی اطلاق می شود که عالم به علم طب و مهارت های لازم به منظور حفظ و تأمین سلامت انسانی و اعاده سلامتی از دست رفته به جسم انسان می باشد (صالحی، ۱۳۹۳، ۵۴). در خصوص مسئول تلقی کردن یا نکردن پزشک بابت قصورهای حرفه ای و شغلی



دیدگاه های مختلفی وجود دارد. بر اساس دیدگاه اول، پزشک باید در مقابل خطاهایی که در حین انجام وظیفه شغلی و حرفه ای بروز می نماید مصون باشند؛ چرا که اگر شمشیر مسئولیت را بر پزشکان مسلط کنیم و باب هر قصوری ولو اندک ضامن بدانیم، باب اجتهاد پزشکی که لازمه توسعه و اکتشاف پزشکی است مسدود و محدود می شود (صالحی، ۱۳۹۳، ۱۴۳). بر اساس دیدگاه دوم، باید مسئولیت پزشکان و برائت آنان با قواعد کلی حقوقی، تفسیر مضیق شود، به نحوی که نه باب معالجه بسته شود و نه اینکه پزشکان از ترس مجازات و مسئولیت مدنی، جرأت طبابت و معالجه را از دست بدهند و همچنین اصل برائت دست آنان را در پیروی از نظامات پزشکی و پیروی از شیوه متخصصان و علم روز به حدی باز نگذارد که جان بیمار را به مخاطره اندازد. (داراب پور، ۱۳۹۰، ۱۹۸) در هر صورت قصور و خطای پزشکی و با توجه به گستردگی علم پزشکی در حوزه های مختلف امری بدیهی و محتمل است و حتی اشتباه در پزشکی را امری طبیعی می دانند چرا که امکان دارد متبحرترین پزشکان هم با داشتن جدیدترین ابزارهای پزشکی نیز مرتکب اشتباه در تشخیص نوع بیماری و یا شدت و ضعف آن شوند. پس اگر پزشک با رعایت تمام احتیاطات لازم و متعارف جهت ممانعت از اشتباه باز هم دچار اشتباه شود، در این صورت مسئولیت متوجه وی نخواهد بود. زیرا اطباء بزرگ و برجسته هم از اشتباه مصون نمی باشند و دلیل این موضوع هم علاوه بر نقص نسبی و ابدی علم طب، به جهت محتمل الخطا بودن پزشکان در فرایند درمان و معالجه می باشد. اما اگر اشتباه در تشخیص و درمان ناشی از بی مبالاتی و اهمال در وظایف محوله و غیره باشد، در این صورت اشتباه موجب مسئولیت و ضمان است (صالحی، ۱۳۹۳، ۲۲۹-۲۱۴). و در صورت تلف یا صدمه بدنی بیمار، باید جبران ضرر و زیان از بیمار یا ورثه را بنماید. بنابراین پزشکان خواه مباشر در معالجه بیمار باشند و خواه دستور به انجام معالجه به پرستار یا بیمار و غیره را صادر نمایند و مرتکب اشتباه، بی احتیاطی، بی مبالاتی و عدم مهارت و رعایت نظامات دولتی گردند، مسئول می باشند و ادعای اشتباه آنان مؤثر نمی باشد. البته در فرضی که دستور از سوی پزشک برای معالجه داده شود و پرستار یا بیمار آگاه به دستور اشتباه پزشک باشند، در این صورت پزشک مسئول نخواهد بود و ادعای اشتباه وی در فرضی که پرستار یا بیمار آگاه باشند، از پزشک شنیده می شود و به بیان دیگر در این فرض اشتباه مؤثر است و مانع از ضامن تلقی شدن پزشک به تنهایی می باشد. و حتی در این حالت می توان گفت که مورد از موارد تعدد اسباب است و چه بسا بتوان مسئولیت را به نسبت درجه تقصیر و اشتباه تقسیم کرد. لازم به تأکید است پزشک نمی تواند برای رفع مسئولیت مدنی ناشی از اشتباه خود، به اذن بیمار یا ولی استناد نماید و از بار مسئولیت ناشی از اشتباه، شانه خالی کند. زیرا اذن بیمار یا ولی وی، صرفاً در راستای معالجه بیمار می باشد، حتی اخذ برائت ذمه پزشک از بیمار یا ولی بیمار، نمی تواند دلیل موجهی برای فرار از مسئولیت و



اشتباه پزشکی باشد و از طرفی عدم ارتکاب تقصیر پزشک در ماده ۴۹۵ ق.م.اسلامی نیز مورد تأکید قانونگذار قرار گرفته است. پس اگر یک بیمار، گواهی براءت ذمه به پزشک معالج خود بدهد، به این معنی نیست که اذن در اتلاف را هم به پزشک داده باشد به عبارت دیگر اخذ گواهی براءت از بیمار یا گرفتن اذن و اجازه معالجه، تأثیری در اشتباه و یا تقصیر ندارد و حسب مورد خود بیمار یا ورثه وی می توانند وقوع اشتباه از سوی پزشک معالج را که منجر به ورود ضرر و زیان شده را اثبات نمایند. ممکن است که اشتباه پزشک در صدمه یا اتلاف از نوع اشتباه سلبی باشد. مثلاً پزشک به این تصور که ضرورتی به دادن اطلاعات لازم در خصوص بیماری یا استعمال داروهای تجویز شده به بیمار نیست، از دادن اطلاعات خودداری نماید و با این ترک فعل، سبب صدمه و تلف گردد؛ در این صورت هم اشتباه سلبی پزشک مؤثر نیست و پزشک ضامن و مسئول ضرر وارده به بیمار خود می باشد. به بیان دیگر اشتباه سلبی در دادن اطلاعات به بیمار، بی مبالاتی تلقی می گردد و طبق صراحت ماده ۱۴۵ ق.م.اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بی مبالاتی تقصیر محسوب می شود. پس بی مبالاتی پزشک «شامل ترک فعلی است از نظر علمی و فنی انتظار انجام آن از پزشک می رود، ولی صورت نپذیرفته است» (گودرزی و کیانی، ۱۳۸۵، ۲۷). مع الوصف، مسئولیت پزشک در صورت بی مبالاتی مبتنی بر تقصیر خواهد بود و بی مبالاتی پزشک هنگامی است که پزشک به موجب قرارداد یا قانون، مکلف انجام عمل بوده، اما از انجام آن، امتناع نموده است و این امتناع هم منجر به ورود صدمه یا آسیب جسمی و روانی به بیمار شده باشد. در حال حاضر در حقوق ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مبنای مسئولیت مدنی پزشک از مسئولیت مطلق به مسئولیت مبتنی بر تقصیر تغییر یافته است؛ بنابراین ضرورت دارد تا اشتباه و تقصیر پزشک توسط بیمار یا اقربای بیمار اثبات گردد.

۵-۲- اثر اشتباه پرستار در اتلاف و صدمه بدنی

بدیهی است از منظر حرفه پرستاری، شخص پرستار تکالیف متعددی بر عهده دارد که اولین و مهم ترین تکلیف وی مراقبت و نگهداری از بیمار است؛ خواه تکلیف قانونی و خواه قراردادی باشد (یزدانیان، ۱۳۹۵، ب، ج ۴، ۴۴۶). در خصوص مسئولیت مدنی پرستار، گاهی مسئولیت وی ناشی از فعل شخصی و گاهی همچنین ناشی از عمل غیر است. در حالتی که زیان در نتیجه فعل شخص پرستار باشد وی عهده دار و مسئول است و گاهی هم مسئولیت مدنی وی بر عهده پزشک است (یزدانیان ۱۳۹۵، ب، ج ۴، ۴۵۱-۴۴۶). در خصوص مسئولیت داشتن پرستار یا پزشک باید بین فرضی که پرستار آگاه به دستور صادره از سوی پزشک باشد را با فرضی که آگاه نباشد تفکیک کرد. گاهی پزشک دستور انجام عمل یا ترک عملی را به پرستار می دهد و به اصطلاح انجام آن عمل یا



فعل را تجویز یا ترک عملی را تأکید می کند و پرستار هم به جهت اطمینان به علم و دستور پزشک به جهت زبردست بودن پزشک، دستور صادره را انجام می دهد و این فعل منجر به صدمه و ضرر و زیان به بیمار می گردد؛ در این حالت پرستار در معالجه و انجام دستور مغرور تلقی می گردد و هیچ گونه مسئولیتی متوجه وی نمی باشد، بلکه پزشک دستوردهنده به عنوان سبب مسئول جبران ضرر و زیان وارده به بیمار می باشد. البته این در صورتی است که واقعاً پرستار عالم و آگاه به اشتباه بودن دستور صادره از سوی پزشک نباشد. پس چنانچه پرستار هم با توجه معلومات علمی و پرستاری خویش، متوجه اشتباه بودن دستور پزشک باشد و با این وصف، دستور اشتباه را انجام و در نتیجه آن به بیمار ضرر و زیان وارد گردد، در اینصورت به صراحت تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شخص پرستار مسئول و ضامن است. چرا که رابطه علیت بین فعل پرستار و ضرر و زیان وارده به بدن بیمار حاصل می گردد. اگر در موردی هم پرستار بدون اینکه دستوری از پزشک معالج، دریافت کرده باشد، در انجام فعل یا ترک فعل مرتکب اشتباه در وظایف و نگهداری از بیمار شود، شخص پرستار بر مبنای فعل یا ترک فعل مسئول تلقی شده و اشتباه وی، مانع از مسئول و ضامن بودن در جبران ضرر و زیان وارده به بیمار نمی شود. مع الوصف خواه پرستار بر خلاف دستور پزشک و خواه بدون دستور پزشک، در فعل یا ترک فعل مرتکب اشتباهی گردد، که نتیجه آن، ورود ضرر و زیان و صدمات جانی به بیمار تحت معالجه باشد؛ شخص پرستار مسئول و ضامن است و پزشک هیچ مسئولیتی نخواهد داشت؛ البته در مسئول تلقی شدن پرستار، معیار و تمیز اشتباه معیار نوعی خواهد بود؛ یعنی اینکه عملکرد پرستار مشتبه با پرستاران دیگر مورد ارزیابی و سنجش قرار می گیرد و مطابق تأکید ماده ۴۹۵ ق.م.اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حسب مورد اثبات پرستار یا پزشک برای مطالبه ضرر و زیان توسط شخص بیمار یا اقربای وی، ضرورت دارد.

۵-۳- اثر اشتباه بیمار در اتلاف و صدمه بدنی

طبیعی است که در روند معالجه بیماری و بهبود بیمار تنها وجود بیمارستان، مراکز درمانی و تلاش صاحبان حرفه پزشکی و وابسته مفید به فایده و مؤثر نمی باشد؛ بلکه «سلامتی و بهبود بیماران، تلاش توأم با همکاری پزشک و بیمار بستگی دارد. بیماران در برابر سلامتی خود با پزشکان مسئولیت مشترک دارند (صالحی، ۱۳۹۳، ۲۶۰). در صدمات وارد به بیمار ممکن است افراد مختلفی خواه به عمد و خواه به غیرعمد و در نتیجه اشتباه، نقش مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشند. طبق قواعد کلی حاکم بر مسئولیت مدنی، قاعده این است هر کس به عمد یا غیرعمد بر جان دیگری لطمه ای وارد نماید؛ مسئول جبران ناشی از عمل خود خواهد بود. گاهی دلیل صدمه و تلف بیمار،



اشتباه افراد دخیل در درمان از جمله شخص بیمار می باشد. قانونگذار در ماده ۴۹۶ ق.م.اسلامی به دستور اشتباه پزشک اشاره می کند و در ادامه در ذیل تبصره ۱ ماده فوق، مسئولیت بیمار را هم مورد توجه قرار نمی دهد. مستفاد از تبصره ۱ ماده، ممکن است شخص بیمار از دستورات اشتباه پزشک معالج، آگاه و یا ناآگاه باشد. در فرضی که بیمار، آگاه و عالم به دستورات اشتباه نداشته باشد، گفته می شود مبنای مسئولیت، غرور است؛ زیرا بیمار با اتکاء به علم پزشک در معالجه مغرور تلقی می گردد و در صورت صدمه و خسارات به بیمار، پزشک به عنوان سبب، مسئول خواهد بود. اما در فرضی که بیمار، آگاه و عالم به دستور اشتباه پزشک باشد و اقدام به اجرای دستور نماید، مطابق قاعده اقدام، به ضرر خود عمل کرده و مسئولیتی متوجه پزشک نخواهد شد و شخص بیمار مسئول است (عباسلو، ۱۳۹۴، ۱۴۹-۱۴۸). بنابراین در حالتی که بیمار، آگاه به دستور اشتباه پزشک است، نباید مبادرت به اجرای دستور نماید تا ضرر متوجه وی گردد و در غیر اینصورت، پزشک مسئولیتی ندارد و تمام مسئولیت های ناشی از اجرای دستور اشتباه در فرض آگاه بودن بیمار به دستور اشتباه، متوجه خود بیمار می گردد. البته به نظر می رسد به تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.اسلامی ایراد وارد باشد و مسئول تلقی کردن بیمار و هم ردیف دانستن وی با پرستار در علم به دستورات پزشکی، به دور از منطق حقوقی باشد؛ زیرا معمولاً بیمار به پزشک و دستورات صادره از وی، اعتماد می نماید و تحت تعلیمات و دستوراتی که دریافت کرده، عمل و اقدام می کند و از سویی، بیمار از لحاظ علمی فاقد اطلاعات و معلومات پزشکی بر خلاف پرستار می باشد.



نتیجه گیری

در حوزه علم پزشکی تردیدی وجود ندارد که اگر پزشک یا پرستار به عمد سبب تلف و صدمه بدنی بیمار گردند؛ مسئولیت مدنی دارند و مطابق قاعده اتلاف مسئول جبران ضرر و زیان وارده بر بیمار می باشند. گستردگی علم پزشکی حتی با وجود ابزارهای مختلف و دقیق، احتمال اشتباه در تشخیص بیماری یا اشتباه در تجویز دارو به بیمار و غیره، توسط پزشک وجود دارد و صرف این اشتباه، بدون لحاظ بی مبالاتی و قصور پزشک نمی تواند سبب مسئولیت گردد؛ اما چنانچه پزشک، به واسطه عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات پزشکی مرتکب اشتباه گردند که منجر به صدمه بدنی یا تلف بیمار گردد، نمی تواند مانع از تحقق قاعده اتلاف گردد و به بیان دیگر در این فرض اشتباه غیر موثر خواهد بود. معمولاً در روند معالجه بیمار و در فرضی که بیمار در مراکز درمانی و بیمارستان بستری می گردد، پرستاران نیز تکالیف متعددی را عهده دار می گردند که از جمله آن عمل و دستور پزشک، مثل خوراندن داروهای تجویز شده توسط پزشک، به بیمار تحت درمان می باشد؛ حال اگر دستوراتی از جانب پزشک صادر شده باشد و پرستار نیز علم و آگاهی به این دستورات داشته باشد و در نتیجه عمل به دستور، صدمه ای به بیمار وارد شود، پرستار مسئول ضرر و زیان وارد به بدن بیمار می باشد و نمی تواند به ادعای اشتباه، خود را مبری از مسئولیت مدنی بداند و به عبارتی این اشتباه غیر موثر است و قاعده اتلاف تحقق پیدا می کند؛ مگر اینکه پرستار ناآگاه به اشتباه پزشک باشد و به اصطلاح مغرور گردد که در این فرض این اشتباه نسبت به پرستار موثر است و قاعده اتلاف تحقق پیدا نمی کند و مسئولیت مدنی متوجه شخص پزشک می شود. گاهی دستور پزشک یا تجویز دارو به طور مستقیم به شخص بیمار داده می شود در این حالت نیز ممکن است شخص بیمار، عالم یا جاهل به دستورات اشتباه پزشک باشد. چنانچه علم و آگاهی به اشتباه پزشک داشته باشد و به دستور پزشک عمل نماید، شخص بیمار مسئول هرگونه تلف یا صدمه بدنی به خویش خواهد بود و این عمل با قاعده اقدام توجیه می گردد؛ اما اگر بیمار جاهل به دستور اشتباه پزشک باشد، اشتباه بیمار موثر است و سبب توجه مسئولیت به پزشک و تحقق قاعده اتلاف نسبت به پزشک خواهد شد.



منابع

قران کریم

- ۱- امامی، سیدحسن، (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، جلد چهارم، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، چاپ پانزدهم، تهران.
- ۲- انتظاری، نجف آبادی، علیرضا، (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا، انتشارات مخاطب، چاپ اول، تهران.
- ۳- انصاری، مسعود و طاهری، محمدعلی، (۱۳۸۶)، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، انتشارات محراب فکر، چاپ دوم، تهران.
- ۴- بجنوردی، سیدمحمدحسن، (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، جلد دوم، نشر هادی، چاپ اول، قم.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، تهران.
- ۶- حائری شاه باغ، سیدعلی، (۱۳۷۶)، شرح قانون مدنی، جلد اول، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران.
- ۷- حسینی مراغی، سیدمیرعبدالفتاح، (۱۴۱۸ق)، العناوین الفقهیه، جلد دوم، مؤسسه نشر اسلامی قم.
- ۸- داراب پور، مهربان، (۱۳۹۰)، مسئولیت های خارج از قرارداد، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران.
- ۹- ره پیک، حسن، (۱۳۸۸)، حقوق مسؤولیت مدنی و جبران ها، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، تهران.
- ۱۰- شایگان، سیدعلی، (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، انتشارات طه، چاپ اول، قزوین.
- ۱۱- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۰)، حقوق مدنی تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، انتشارات مجد، چاپ دوم، تهران.



- ۱۲- صالحی، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان، انتشارات نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۱۳- عباسلو، بختیار، (۱۳۹۴)، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی، انتشارات نشر میزان، چاپ دوم، تهران.
- ۱۴- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲)، موجبات ضمان درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، انتشارات نشر میزان، چاپ اول، تهران.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات بهمن برنا، چاپ سوم، تهران.
- ۱۷- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۷)، مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و سوم، تهران.
- ۱۸- گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، (۱۳۸۵)، پزشکی قانونی، انتشارات سمت چاپ دوم، تهران.
- ۱۹- لطفی، اسدالله، (۱۳۷۹)، موجبات و مسقطات ضمان قهری در فقه و حقوق مدنی ایران، انتشارات مجد، چاپ اول، تهران.
- ۲۰- محقق داماد، سیدمصطفی، (۱۳۹۴)، قواعد فقه بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ چهل و ششم، تهران.
- ۲۱- محمدی، ابوالحسن، (۱۳۷۹)، قواعد فقه، انتشارات دادگستر، چاپ چهارم، تهران.
- ۲۲- مصطفوی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۱۷ق)، مائة قاعدة فقهیه، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ سوم، قم.
- ۲۳- نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، جلد سی و هفتم، خانه کتب اسلامی، چاپ سوم، تهران.



۲۴- یزدانیان، علیرضا، (۱۳۹۵)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، جلد دوم، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.

۲۵- یزدانیان، علیرضا، (۱۳۹۵)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، جلد چهارم، انتشارات میزان، چاپ اول، تهران.

حقوق و مطالعات نوین



The legal effect of a mistake in the loss of non-financial rights by studying Article 496 of The Islamic Penal Code approved in 1392

Mohammad Hossein Khademi Arasteh¹

Abstract

The rule of waste is one of the famous jurisprudential rules in all Muslim Sects and there is a consensus regarding it. One of the most important causes of forced guarantee that is cited is the same rule of loss. The application of the rule of waste indicates that whoever wastes another's property is a guarantor, and the mistake in the loss is not stated in the appearance of the rule, and on the other hand, if the non-financial rights of people are lost, it cannot be removed from the rule. Because the appearance of the rule emphasizes the loss of financial rights. However, one should not pay attention to the appearance of the rule, because by using Article 1 of the Civil Liability Law, harming any right that a person has, whether it is property or otherwise, is guaranteed. One of the non-financial human rights is life and health, which is respected by the legislator along with other legal rights, including property. Therefore, despite the fact that physical loss and damage to people is not a matter of financial rights, but according to Article 496 of the Islamic Penal Code, it is a guarantee and responsibility for the person responsible for the damage.

keywords: Effect, Mistake, Waste, Non-Financial rights, Bodily harm.

¹ Associate Professor, Law Department, Faculty of Literature and Humanities, The Branch of Kangavar, Islamic Azad University, Kangavar, Iran. (Corresponding Author) khademi.moh@gmail.com

